

خبر کوتاه

آرزوی سلامتی روحانی برای قالیباف

• ایسنا: در پی ابتلای رئیس مجلس شورای اسلامی به ویروس کرونا، رئیس‌جمهوری در تماس تلفنی با وی، برای او آرزوی بهبودی و سلامتی کرد. علیرضا معزی معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهوری در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: «در پی ابتلای رئیس مجلس به کرونا، رئیس‌جمهور روحانی در گفت‌وگویی تلفنی با آقای قالیباف، جویای وضعیت بیماری و روند درمان شد و برای ایشان آرزوی بهبود و سلامتی کرد.»

ادامه از صفحه اول

نقش احزاب ثالث در انتخابات آمریکا

بااین‌حال حضور این کاندیداهای ثالث همواره از نظر نقشی که می‌توانند در موفقیت یا شکست دو رقیب اصلی داشته باشند، مهم بوده است. در سال ۱۹۹۲، راس پرو، کاندیدای دست راستی مستقل، با به‌دست‌آوردن حدود ۱۹ درصد از کل آرای عمومی، نقش مهمی در شکست جورج بوش پدر از بیل کلینتون داشت. همین‌طور رالف نیدر (Nader) کاندیدای حزب سبز در انتخابات سال ۲۰۰۰ نزدیک به دومیلیون و ۹۰۰ هزار، معادل ۲٫۴ درصد از آرای عمومی را به دست آورد. این در حالی بود که تفاوت آرای عمومی جورج بوش پسر و ال‌گور تنها ۴۹ صدم درصد بود.
مهم‌تر اینکه رالف نیدر در ایالت سرنوشت‌ساز فلوریدا بیش از ۹۷ هزار رأی کسب کرد. درحالی‌که ال‌گور تنها با اختلاف ۵۲۷ تک رأی این ایالت و به‌واسطه آن کل انتخابات را به بوش باخت. رالف نیدر بعدا در نوشته‌هایش اذعان کرد که اگر او کاندید نمی‌بود، با احتساب نقش دیگر کاندیداهای ثالث از حزب قرم و حزب لیبرترین و…، حداقل ۳۸ درصد از آرای او به ال‌گور می‌رسید و موجب پیروزی او می‌شد. روشن است که تفاوت سیاست‌های دو رقیب به حدی بود که در صورت پیروزی ال‌گور می‌توانستیم امروز شاهد آمریکایی متفاوت، جهانی متفاوت و به‌ویژه خاورمیانه‌ای متفاوت باشیم؛ چراکه از جمله قطعا حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳ انجام نمی‌شد. تقریبا مشابه همین‌ن وضع در انتخابات ۲۰۱۶ اتفاق افتاد. برخی معتقدند که در آن سال کاندیدای حزب سبز با جذب درصدی از آرای کلینتون موجب باخت او در سه ایالت میشیگان، ویسکانسین و پنسیلوانیا و رسیدن ۴۶ رأی الکترال این ایالات به ترامپ شد. در انتخابات امسال، کاندیدای حزب سبز در شماری از ایالات از جمله میشیگان، کلرادو و فلوریدا که آرای بایدن را ترامپ بسیار به هم نزدیک است، در لیست قرار دارد. نیویورک تایمز در ۲۲ سپتامبر با ذکر شواهدی جمهوری‌خواهان را متهم کرد که در مواردی تلاش کرده‌اند در جمع‌آوری امضا و تأمین منابع مالی به کاندیداهایی که می‌توانند مورد توجه رای‌دهندگان دموکرات باشند، کمک کنند. این روزنامه در این رابطه منحصا شواهدی از کمک جمهوری‌خواهان به حزب سبز در ایالات حساس ذکر کرده است. البته نقش کاندیداهای ثالث در سال‌هایی که قرار است یک رئیس‌جمهور جدید انتخاب شود، بیشتر است. انتخابات امسال بیشتر در حکم یک رفراندوم درباره ترامپ است و رای‌دهندگان بیشتر بر این امر متمرکز هستند. از طرفی، رهبر حزب لیبرترین نیز ممکن است امسال بخشی از آرای بالقوه ترامپ را از آن خود کند. ازاین‌رو در عمل باید دید اثر این کاندیداهای ثالث امسال در سطح ایالاتی که به‌شدت رقابتی هستند، چه خواهد بود. این عامل مهم دیگری است که به‌ویژه پیش‌بینی نتیجه انتخابات امسال را بسیار دشوار کرده است.

استقبال زود هنگام «اکنونیست» از بایدن!

این خلاصه‌ای از سرمقاله اکنونیست ۹ مهرماه است. حمله‌ای، این چنین از یک هفته‌نامه بین‌المللی تنها در صورتی قابل توجیه است که پیروزی بایدن قطعی است؛ ازهمین‌رو می‌توان آن را نشانه‌ای از شکست ترامپ دانست. اکنونیست تنها یک نشریه اقتصادی نیست، بلکه یکی از معتبرترین آژانس‌های پیش‌بینی‌های اقتصادی و سیاسی در جهان است.

زینب اسماعیلی سیوری:ازجمله‌بلی‌کنکنیکی‌هایی‌است که‌در‌کوران‌انقلاب‌به‌خط‌امام‌پیوستند.فوق‌لیسانس را‌در‌رشته‌مطالعات‌استراتژیک‌از‌دانشگاه «قائداعظم» پاکستان‌و‌سال‌ها‌بعد‌دکترای‌روابط‌بین‌الملل‌را‌از دانشگاه‌کمبریج‌انگلستان‌دریافت‌کرده‌است. محسن میردامادی‌را‌این‌سال‌ها‌بیشتر‌با‌ریاستش‌بر‌کمسیون امنیت‌ملی‌مجلس‌ششم‌به‌یاد‌می‌آورند‌و‌البته‌رخت زندان‌در‌دادگاه‌دسته‌جمعی‌اعضای‌ستاد‌مهندس موسوی‌بعد‌از‌حوادث۸۸، اما‌او‌در‌این‌سال‌ها، کار‌در‌کسوت‌یک‌فعال‌رسانه‌ای‌را‌از‌روزنامه‌سلام‌تا‌روزنامه‌نوروز‌و‌عضو‌مرکز‌تحقیقات‌تا‌هیتت‌مؤسس‌جبهه‌مشارکت‌و‌استناد‌دانشگاه‌تهران‌و…تجربه‌کرده‌است. هنوز‌دغدغه‌سیاست‌خارجی‌یکی‌از‌اصلی‌ترین‌دل‌مشغولی‌هایش‌است‌و‌در‌این‌گفت‌وگو‌به‌نבעات‌موضوع‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری‌آمریکا‌بر‌وضعیت‌ایران‌و‌مسائل‌داخلی‌کشور‌پرداختیم.

۴ این دور انتخابات آمریکا، بیش از دوره‌های پیش، برای ایران اهمیت دارد. علت این اهمیت را در سرنوشت برجام و تحریم‌های نفس‌گیر ترامپ می‌دانید یا دلیل دیگری برای آن قائل هستید؟
بله، تا‌به‌حال‌هیچ‌دوره‌ای‌انتخابات‌آمریکا‌تا‌این‌اندازه‌مورد‌توجه‌افکار‌عمومی‌ما‌نبوده‌و‌تقریبا‌در‌هیچ‌دوره‌ای‌سابقه‌نداشته‌که‌در‌حد‌وسعیی‌افکار‌عمومی‌ما‌نگاهشان‌به‌انتخابات‌آمریکا‌باشد. علت‌اصلی‌هم‌فشارهایی‌است‌که‌در‌دوره‌ریاست‌جمهوری‌ترامپ‌به‌کشور‌ما‌وارد‌شده‌و‌بار‌اصلی‌آن‌را‌هم‌مردم‌تحمل‌کرده‌اند‌و‌این‌فشارها‌در‌زندگی‌شان‌خیلی‌تاثیرگذار‌بوده‌است. در‌حقیقت‌اثر‌سیاست‌ها‌و‌تحریم‌های‌آمریکا‌را‌مردم‌در‌زندگی‌روزمه‌شان‌لمس‌می‌کنند‌و‌به‌نظم‌مییغ‌وقت‌هم‌تا‌حاله‌حال‌چنین‌اتفاقی‌نیفتاده‌بود‌که‌مردم‌این‌قدر‌تأثیر‌سیاست‌خارجی‌را‌مثل‌امروز‌در‌زندگی‌روزم‌خودشان‌احساس‌کنند. شاید‌در‌کذه‌شسته‌سیاست‌خارجی‌به‌طورکلی‌مورد‌توجه‌درصد‌کمی‌از‌مردم‌بود، اما‌امروز‌چون‌با‌زندگی‌شان‌پیوند‌خورده‌و‌تأثیر‌زیادی‌داشته، خیلی‌مرکز‌توجه‌است. طبعاً‌فشارها‌و‌تحریم‌های‌آمریکا‌باعث‌شده‌حساسیت‌در‌کشور‌و‌در‌افکار‌عمومی‌نسبت‌به‌انتخابات‌آمریکا‌در‌حد‌بی‌سابقه‌ای‌باشد.

۴ اگرچه جو بایدن و تیم دموکرات علاقه‌مند به بازگشت به برجام به نظر می‌آیند، اما گاهی در تحلیل‌ها این بازگشت چندان هم سریع به نظر نمی‌آید؛ آن‌چنان‌که ممکن است به عمر دولت آقای روحانی نرسد. شما این‌گونه فکر می‌کنید یا بازگشت را شدنی می‌دانید؟

به‌طورکلی‌می‌توان‌این‌را‌یک‌قاعده‌تلفی‌کرد‌که‌در‌سیاست‌خارجی‌کشورها‌تغییرات‌سریع‌و‌ناگهانی‌کم‌اتفاق‌می‌افتد؛ به‌ویژه‌در‌کشورهایی‌که‌از‌توسعه‌یافتگی‌بیشتری‌برخوردار‌هستند، این‌طور‌نیستند‌که‌با‌رفتن‌یک‌دولت‌و‌آمدن‌دولتی‌دیگر‌تغییرات‌ناگهانی‌بیش‌بیاید. البته‌استثنا‌هم‌هست‌و‌ترامپ‌استثنا‌بود‌که‌وقتی‌آمد‌سیاست‌های‌دولت‌های‌قبلی‌را‌در‌خیلی‌از‌موارد‌زیرورو‌کرد‌و‌به‌همین‌دلیل‌در‌بسیاری‌از‌حوزه‌ها‌با‌کشورها‌و‌مجامع‌بین‌المللی‌درافتاد‌و‌وارد‌تنش‌یا‌تخاصم‌شد. دلیل‌این‌مسئله‌هم‌این‌بود‌که‌ترامپ‌برآمده‌از‌فرایندهای‌متعارف‌سیاسی‌آن‌کشور‌نبود. ولی‌به‌طورکلی‌سیاست‌خارجی‌را‌با‌تغییر‌تداوم‌و‌تغییر‌توصیف‌می‌کنند‌که‌اگر‌هم‌بخوانند‌تغییری‌دهند، بیشتر‌تدریجی‌و‌در‌ادامه‌سیاست‌های‌قبلی‌است. به‌همین‌دلیل‌به‌نظم‌درصورتی‌که‌بایدن‌در‌انتخابات‌پیروز‌شود، نباید‌انتظار‌تغییر‌ناگهانی‌داشته‌باشیم‌و‌تصور‌کنیم‌سیاست‌آمریکا‌با‌آمدن‌بایدن‌به‌دوران‌قبل‌از‌ترامپ‌برمی‌گردد‌و‌به‌شرایط‌دوران‌ایوباما‌خواهد‌رسید. به‌نظم‌چنین‌اتفاقی‌نخواهد‌افتاد. ضمن‌اینکه‌با‌وجود‌اینکه‌بایدن‌گفته‌به‌برجام‌برمی‌گردد‌و‌در‌کلیت‌هم‌با‌برجام‌مخالفت‌نخواهد‌کرد، ولی‌باید‌توجه‌داشته‌باشیم‌که‌بایدن‌هم‌الان‌احساس‌می‌کند

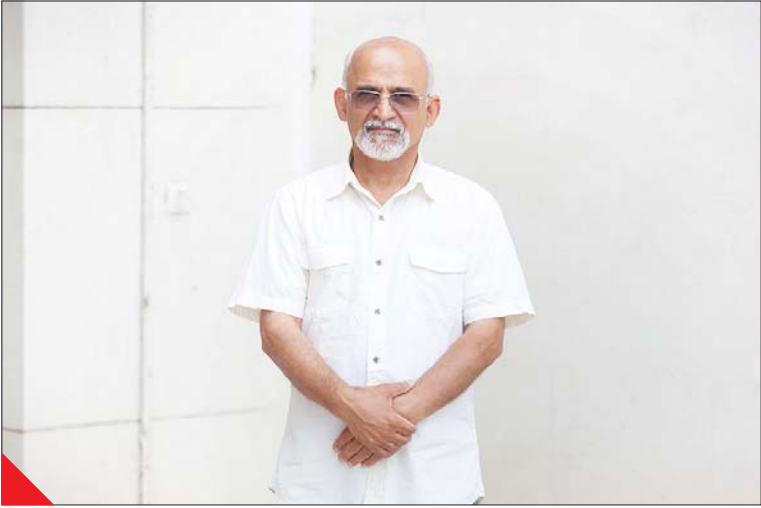
با‌تحریم‌هایی‌که‌ترامپ‌نسبت‌به‌ایران‌اعمال‌کرده، ابزار‌فشار‌مهمی‌در‌اختیارش‌هست‌و‌قاعدا‌به‌این‌سمت‌نمی‌رود‌که‌این‌ابزار‌را‌زمین‌بگذارد‌و‌بدون‌استفاده‌از‌این‌ابزار‌بگوید‌بدون‌هیچ‌خواست‌ه‌ای‌به‌برجام‌برمی‌گردد. به‌نظم‌هر‌رئیس‌دولتی‌باشد‌چنین‌ابزاری‌را‌رها‌نخواهد‌کرد، بلکه‌از‌ابزار‌کار‌آمد‌استفاده‌می‌کند‌تا‌وارد‌بدهستان‌شود‌و‌اگر‌امتیازی‌می‌دهد، در‌قبالش‌امتیازی‌هم‌بگیرد. با‌این‌مقدمه‌به‌نظم‌بایدن‌در‌صورت‌پیروزی‌در‌قبال‌ایران‌به‌تدریج‌رفتارهای‌تعدیل‌کننده‌و‌کاهش‌فشار‌را‌انجام‌می‌دهد‌و‌عجله‌ای‌در‌این‌زمینه‌ندارد‌و‌در‌هر‌گام‌تامل‌می‌کند‌بینند‌پاسخ‌ایران‌چیست‌و‌چه‌مایا‌بازی‌به‌دست‌می‌آورد. با‌توجه‌به‌اینکه‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری‌ایران‌هم‌چند‌ماه‌بعد‌از‌آمدن‌بایدن‌است‌-چون‌ریاست‌جمهوری‌بایدن‌از‌اول‌همین‌شروع‌می‌شود‌که‌حدود‌سه، چهار‌ماه‌با‌انتخابات‌ما‌فاصله‌دارد- این‌احتمال‌زیاد‌است‌که‌آنها‌تا‌حدی‌منتظر‌نتیجه‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری‌در‌ایران‌بمانند‌و‌گام‌های‌اصلی‌را‌در‌آن‌زمان‌بردارند، تا‌انتخابات‌آینده‌ما‌این‌احتمال‌هست‌که‌دست‌به‌عصا‌و‌تدریجی‌حرکت‌کنند؛ بنابراین‌در‌کوهامدت‌قاعدا‌گام‌های‌محدودی‌برمی‌دارند، احتمالا‌برخی‌از‌محدودیت‌های‌بانکی‌کمتر‌می‌شود‌و‌ایران‌می‌تواند‌به‌برخی‌از‌منابع‌ارزی‌که‌در‌خارج‌دارد، دسترسی‌پیدا‌کند‌یا‌فشارهایی‌که‌برای‌خرید‌نفت‌ایران‌هست‌تا‌حدی‌کمتر‌شود. این‌موارد‌اولیه‌می‌توانند‌در‌دولت‌آقای‌روحانی‌انجام‌شود‌و‌درصورتی‌که‌ایران‌پاسخ‌متناسی‌بدهد- به‌طوری‌که‌نظرات‌آنها‌هم‌تا‌حدی‌تأمین‌شود- در‌همین‌دوره‌هم‌می‌تواند‌بیشتر‌توسعه‌پیدا‌کند، ولی‌با‌توجه‌به‌تجربه‌گذشته‌ما، فکر‌می‌کنم‌این‌دوره‌اتفاق‌خیلی‌مهمی‌نیفتد‌تا‌بعد‌از‌انتخابات‌ایران.

۴ اگرکمی به عقب‌تر برگردیم، اساسا حل‌وفصل مسئله هسته‌ای در قالب برجام می‌توانست به بهبود رابطه ایران و اروپا و آمریکا کمک کند؟ به عقیده شما فرصت برجام به‌خوبی استفاده شد؟ نمی‌توانستیم برخی دیگر از مشکلات را در دوره زمام‌داری شما از برجام با آمریکایی‌ها حل کنیم؟ مثلا موضوع منطقه‌ای را؟
اینکه‌آیا‌برجام‌می‌توانست‌شروعی‌برای‌حل‌اختلافات‌بین‌آمریکا‌و‌اروپا‌با‌ایران‌شود‌یا‌نه، به‌نظم‌می‌توانست‌به‌بهبود‌روابط‌کمک‌کند، ولی‌به‌شرط‌ها‌و‌شروط‌ها. در‌حقیقت‌برجام‌و‌سازوکاری‌که‌در‌برجام، ایران‌و‌قدرت‌های‌جهانی‌پذیرفتند‌که‌از‌طریق‌دیپلماتیک‌و‌با‌مذاکره‌مشکل‌را‌حل‌کنند، از‌نظر‌قدرت‌های‌خارجی‌گام‌اول‌برای‌نرمال‌سازی‌روابط‌آن‌کشورها‌با‌ایران‌بود‌و‌تلفی‌این‌بود‌که‌این‌گام‌به‌عنوان‌نمونه‌و‌مدلی‌که‌می‌تواند‌منافع‌و‌خواسته‌های‌طرف‌های‌مختلف‌را‌ح‌ح‌دستی‌مقاوتی‌دارد‌به‌نقطه‌شمار‌یک‌برساند، مدلی‌برای‌موضوعات‌دیگر‌شود، ولی‌ایران‌پذیرفت‌که‌گام‌های‌بعدی‌را‌ادامه‌دهد. در‌حقیقت‌در‌تعاملات‌بین‌المللی‌در‌شرایطی‌که‌دو‌طرف‌یا‌طرف‌های‌مختلف‌با‌هم‌اختلاف‌نظر‌های‌جدی‌دارند، وقتی‌بخواند‌اختلافات

سیاست . دیپلماسی

محسن میردامادی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

رئیس‌جمهور پیروز آمریکا در انتظار انتخابات ایران



محسن میردامادی

را‌حل‌کنند، وارد‌بدهستان‌با‌هم‌می‌شوند‌و‌هر‌طرف‌امتیازاتی‌می‌دهد‌و‌امتیازاتی‌می‌گیرد‌تا‌توانند‌در‌یک‌نقطه‌بینه‌و‌تعادل‌به‌توافق‌برسند؛ به‌طوری‌که‌هریک‌از‌طرفین‌احساس‌کنند‌در‌این‌تعامل‌برد‌کرده‌اند‌و‌این‌زمینه‌نبوده‌که‌همه‌چیز‌را‌از‌دست‌داده‌باشند. این‌مبنای‌توافق‌های‌خارجی‌و‌بین‌المللی‌است. اگر‌این‌اصل‌به‌عنوان‌مبنا‌پذیرفته‌نشود، توافقی‌انجام‌نمی‌شود. در‌برجام، ایران‌این‌را‌پذیرفت‌و‌امتیازاتی‌داد‌و‌امتیازاتی‌هم‌گرفت. آمریکایی‌ها‌هم‌در‌رأس‌کشورهای‌مذاکره‌کننده‌همین‌وضع‌را‌داشتند، یعنی‌برخلاف‌قبل‌پذیرفتند‌که‌ایران‌غنی‌سازی‌و‌تکنولوژی‌هسته‌ای‌را‌داشته‌باشد‌و‌از‌برنامه‌هایش‌جلوگیری‌نشود‌و‌در‌مقابل‌ایران‌هم‌سازوکارهایی‌را‌پذیرد‌که‌آنها‌توانند‌نظارت‌مستمر‌و‌همه‌جانبه‌روی‌برنامه‌هسته‌ای‌ایران‌داشته‌و‌مطمئن‌باشند‌که‌ایران‌از‌حوزه‌صلح‌آمیز‌استفاده‌از‌برنامه‌هسته‌ای‌خارج‌نشده‌و‌به‌سمت‌کاربرد‌نظامی‌نمی‌رود‌که‌ایران‌پذیرفت. دو‌طرف‌این‌بدهستان‌را‌داشتند‌و‌به‌تفاهم‌رسیدند، ولی‌این‌انتظار‌در‌طرف‌های‌مقابل‌ایران‌بود‌که‌بعد‌از‌آن‌این‌مسیر‌برجام‌به‌نتیجه‌رسد، زمانی‌بود‌که‌بشار‌اسد‌در‌سوریه‌تثبیت‌شده‌بود‌و‌آمریکایی‌ها‌که‌قبلا‌خواهان‌کنارگرفتن‌بشار‌اسد‌بودند، پذیرفته‌بودند‌که‌اسد‌ماندنی‌است. اگر‌برجام‌به‌تسلیم‌سوریه‌به‌تفاهم‌برسد. اتفاق‌زمانی‌که‌باقی‌مادندن‌بشار‌اسد‌در‌قدرت‌بود، پذیرفته‌می‌شد. یا‌در‌مسئله‌یمن‌و‌امثال‌آن‌هم‌به‌توافق‌می‌رسیدند. در‌هیچ‌کدام‌از‌این‌موارد‌هم‌اگر‌مذاکره‌ای‌شود، هیچ‌طرفی‌نمی‌تواند‌انتظار‌داشته‌باشد‌همه‌خواسته‌هایش‌پذیرفته‌شود‌و‌هیچ‌یک‌از‌خواسته‌های‌طرف‌مقابل‌را‌نپذیرد؛ یعنی‌یک‌طرف‌همه‌خواسته‌هایش‌را‌به‌دیگران‌تحمیل‌کند. چون‌در‌این‌صورت‌مذاکره‌معنا‌ندارد. ایران‌نپذیرفت‌که‌گام‌های‌بعدی‌را‌ادامه‌دهد‌و‌یک‌سری‌از‌حساسیت‌های‌منطقه‌ای‌را‌که‌نسبت‌به‌ایران‌به‌همراه‌روی‌کارآمدن‌ترامپ‌که‌از‌حلاظ‌رفتارهای‌غیرمتعارف‌که‌به‌هیچ‌قاعده‌پذیرفته‌شده‌بین‌المللی‌پایبند‌نبود‌و‌تعمد‌داشت‌هرچه‌را‌به‌نام‌اوباما‌ست‌ویران‌کند، برجام‌را‌هم‌دچار‌مشکل‌کرد، شاید‌اگر‌به‌جز‌ترامپ‌رئیس‌جمهور‌دیگری‌می‌آمد، به‌دست‌آمده‌و‌این‌طور‌نمی‌شد. اما‌ایین‌دو‌عامل؛ یعنی‌متوقف‌ماندن‌توافق‌در‌حد‌برجام‌و‌ایجادکردن‌چارچوب‌های‌دیگر‌مذاکراتی‌در‌جهت‌کاهش‌تنش‌های‌منطقه‌ای‌و‌آمدن‌ترامپ، برجام‌را‌به‌بن‌بست‌رساند‌و‌نه‌تنها‌برای‌ایران‌مشکلاتی‌جدی‌به‌وجود‌آورد،

بلکه‌برای‌مردم‌ایران‌گران‌تمام‌شد‌و‌حتی‌آمریکا‌را‌از‌متحdan غربی‌خودش‌نیز‌جدا‌کرد‌و‌آنها‌حاضر‌نشدند‌دیگر‌در‌مورد‌برجام‌با‌آمریکا‌همراهی‌کنند.
۴ اگر مذاکره‌ای صورت می‌گرفت باید اولویت را به کدام موضوع اختصاص می‌دادیم؟ حل‌وفصل کدام ادعا؟ مسائل منطقه‌ای؟ حقوق بشر، تروریسم، خطر اشاعه تسلیحات اتمی؟
اینکه‌بعد‌از‌برجام‌اولویت‌با‌حل‌وفصل‌کدام‌مسائل‌بود، به‌نظم‌آنچه‌برای‌ما‌اهمیت‌داشت‌و‌می‌توانستیم‌آن‌را‌به‌نحوی‌حل‌وفصل‌کنیم، مسائل‌منطقه‌ای‌بود. چون‌ما‌در‌دوران‌ترامپ‌از‌یک‌طرف‌با‌پدیده‌ترامپ‌و‌سیاست‌های‌نامتعارف‌او‌رودورو‌و‌درگیر‌بودیم‌و‌از‌طرف‌دیگر‌با‌فشارهای‌منطقه‌ای‌و‌تأثیری‌که‌بازیگران‌منطقه‌ای‌روی‌سیاست‌آمریکا‌و‌تشدید‌سیاست‌های‌ضد‌ایرانی‌آمریکا‌داشتند‌و‌ایین‌دو‌همدیگر‌را‌تقویت‌می‌کردند. اگر‌بعد‌از‌برجام‌می‌خواستیم‌گامی‌برداریم، مهم‌ترین‌آن‌پیداکردن‌راه‌حلی‌برای‌تعامل‌منطقه‌ای، کاهش‌تنش‌و‌رسیدن‌به‌یک‌سری‌تفاهم‌های‌منطقه‌ای‌بود‌که‌هم‌منطقه‌ا‌آرام‌کنیم‌و‌فشارهای‌منطقه‌ای‌را‌کاهش‌دهیم‌و‌هم‌بینیم‌با‌مسائل‌فرا‌تر‌از‌آن‌در‌سطح‌بین‌الملل‌و‌قدرت‌های‌خارجی‌چطور‌می‌توانیم‌مسیر‌را‌طی‌کنیم‌که‌مقتضمان‌را‌بیشتر‌دور‌داشته‌باشد.

۴ چرا در ۴۰سالگی پیروزی انقلاب اسلامی رابطه ایران با کشورهای دیگر به یک نظم و روال عادی درمی‌آید؟ بخشی از پاسخ این سؤال می‌تواند به رفتار طرف خارجی و در شرایط فعلی تصمیم‌گیری‌های شخص ترامپ ربط داشته باشد، اما بخش دیگر آن حتماً به تصمیمات و رفتارهای داخلی ربط دارد.

طبعاً‌در‌این‌مسئله‌که‌بعد‌از‌۴۰سال‌از‌انقلاب‌هنوز‌نتوانست‌ایم‌روابط‌نرمال‌و‌متعارف‌با‌دنیا‌برقرار‌کنیم، قدرت‌های‌خارجی‌تأثیرگذار‌بوده‌اند، تردیدی‌نیست، اما‌به‌نظم‌ما‌هم‌نقش‌بسیار‌مهمی‌در‌عدم‌عادی‌سازی‌روابط‌داشته‌ایم. یک‌دلیل‌اینکه‌ما‌در‌روابط‌خارجی‌مسائل‌را‌تا‌حد‌زیادی‌سیاه‌و‌سفید‌و‌صفر‌و‌صدی‌می‌دانیم‌و‌این‌طور‌نگاه‌می‌کنیم، به‌نظم‌در‌دوران‌هیجانات‌انقلابی‌که‌نوعاً‌در‌انقلاب‌ها‌شکل‌می‌گیرد، تا‌حدی‌طبیعی‌است‌که‌در‌دوران‌انقلاب‌چنین‌نگاهی‌باشد‌و‌انقلابیون‌قدرت‌های‌خارجی‌را‌دشمنان‌خودشان‌تلقی‌کنند، ولی‌اینکه‌همیشه‌در‌چنین‌تصور‌ی‌باقی‌بمانیم‌و‌همیشه‌نگاهمان‌این‌طور‌باشد، طبیعتاً‌نتیجه‌اش‌بن‌بست‌هایی‌می‌شود‌که‌تا‌به‌حال‌داشته‌ایم.

یعنی‌نگاهمان‌به‌قدرتی‌که‌با‌آن‌اختلاف‌جدی‌یا‌روابط‌خصمانه‌داشتیم، این‌است‌که‌ما‌با‌یاد‌دشمن‌باشیم‌یا‌تسلیم‌آنها‌باشیم، درحالت‌که‌بین‌دشمنی‌و‌تسلیم‌از‌صفر‌تا‌صد‌فاصله‌است‌و‌اعداد‌دیگری‌در‌این‌بین‌وجود‌دارند‌و‌در‌آن‌فاصله‌نقاط‌و‌شرایطی‌می‌تواند‌باشد‌که‌کشور‌تواند‌منافع‌خودش‌را‌بهرتر‌حفظ‌کند. اما‌نگاه‌صفر‌و‌صدی‌باعث‌می‌شود‌چنین‌برداشتی‌در‌روابط‌خارجی‌با‌حداقل‌در‌بخشی‌از‌مسائل‌مهم‌بین‌المللی‌به‌وجود‌نیاید. یکی‌دیگر‌از‌مشکلات‌ما‌که‌در‌سیاست‌خارجی‌بوده، این‌است‌که‌مسائلی‌در‌سیاست‌خارجی‌حیثیتی‌شده‌است‌و‌اگر‌شرایطی‌بیش‌آمد‌که‌خواستیم‌از‌آن‌عدول‌کنیم، سخت‌باشد‌و‌به‌دشواری‌بتوانیم‌تصمیمات‌مطابق‌منافع‌ملی‌بگیریم. هر‌دو‌این‌اشکالات‌را‌در‌سیاست‌خارجی‌داریم. تحقیقات‌در‌دوره‌ای‌از‌ایین‌نگاه‌فاصله‌کوتاه‌تریم؛ یکی‌در‌بخشی‌از‌دوران‌ریاست‌جمهوری‌آقای‌هاشمی‌رفسنجانی‌بود‌که‌این‌نگاه‌تغییر‌کرد‌و‌به‌خصوص‌در‌مسائل‌منطقه‌ای‌و‌تعامل‌بین‌ایران‌و‌عرستان‌گام‌های‌مهمی‌برداشته‌شد‌و‌آثار‌مثبتی‌در‌منطقه‌داشت‌و‌مشغله‌ها‌و‌نگرانی‌های‌ما‌را‌در‌منطقه‌تا‌حد‌زیادی‌برطرف‌کرد‌که‌همین‌سیاست‌در‌دوره‌آقای‌خاتمی‌در‌دو‌سبع‌تری‌نهایتاً‌در‌منطقه، بلکه‌در‌عرصه‌وسیع‌تر‌بین‌المللی‌دنبال‌شد‌و‌ارتباطات‌خوبی‌هم‌در‌منطقه‌و‌هم‌با‌کشورهای‌اروپایی‌برقرار‌شد.

ادامه در صفحه ۹

دست رد محسن هاشمی و جهانگیری به پیشنهاد کارگزاران

اصلاح‌طلب‌در‌جریان‌است‌و‌این‌شورا‌هم‌در‌حال‌بررسی‌است‌و‌شخصیت‌های‌مختلف‌در‌جلسات‌مسئله‌بر‌پیش‌رو‌به‌صورت‌اتلایین‌شرکت‌کرده‌اند‌که‌منتظر‌جمع‌پیش‌شورای‌هماهنگی‌هستیم».
سخنگوی‌حزب‌کارگزاران‌سازندگی‌با‌بیان‌اینکه‌هنوز‌در‌جریان‌جزئیات‌نشست‌مجمع‌روحانیون‌مبارز‌نیست، درباره‌آینده‌شورای‌عالی‌سیاست‌گذاری‌اصلاح‌طلبان‌هم‌گفت: «جز‌شورای‌هماهنگی‌احزاب‌اصلاح‌طلب، نهاد‌هماهنگ‌کننده‌دیگری‌وجود‌ندارد‌و‌احزاب‌در‌حال‌گفت‌وگو‌درباره‌نهادهای‌هماهنگ‌کننده‌هستند.»

خبر‌جدیدی‌که‌مرحشی‌داده‌است‌یعنی‌رد‌پیشنهاد‌حزب‌کارگزاران‌مبنی‌بر‌نامزدی‌در‌انتخابات‌از‌سوی‌هاشمی‌و‌جهانگیری، متعاقب‌آن‌است‌که‌او‌چندی‌پیش‌احزاب‌این‌طور‌نام‌حزبی‌ما‌مشخص‌هستند، آقای‌جهانگیری، آقای‌محسن‌هاشمی، آقای‌همتی، آقای‌ملک‌زاده، آقای‌هاشمی‌طبا، آقای‌کرباسچی‌و… مطرح‌هستند. البته‌هنوز‌خودشان‌نپذیرفته‌اند. ترجیح‌اکثریت‌اصلاح‌طلبان‌بر‌اساس‌تجربه‌گذشته، این‌است‌که‌کاندیداهای‌خودشان‌را‌تلاش‌خواهیم‌کرد‌به‌کشتور‌و‌مردم‌کمک‌کنند، مرعشی‌همچنین‌پیش‌تر‌هروگه‌احتمال‌اتلاف

با‌نیروه‌ای‌غیراصلاح‌طلب‌را‌رد‌کرده‌بود: «قطعا‌معرفی‌و‌حمایت‌از‌یک‌نامزد‌اصلاح‌طلب‌اولویت‌ماسئت، اما‌اصلاح‌طلبی‌که‌تواند‌کار‌کند»، او‌درباره‌حمایت‌کارگزاران‌از‌علی‌لاریجانی‌هم‌به‌صراحت‌گفته‌بود: «حزب‌کارگزاران‌تاکنون‌هیچ‌دیداری‌با‌آقای‌لاریجانی‌نداشته‌است‌و‌اصلا‌معلوم‌نیست‌که‌خود‌او‌بخواهد‌به‌عرصه‌انتخابات‌وارد‌شود‌یا‌خیر. کارگزاران‌اکنون‌نامزد‌حزبی‌دارد‌و‌نیازی‌ندارد‌از‌آقای‌لاریجانی‌پشت‌پناهنده‌شود. ضمن‌احترامی‌که‌برای‌آقای‌لاریجانی‌قائلیم، اما‌در‌حزب‌کارگزاران‌کوچک‌ترین‌بخئی‌درباره‌حمایت‌از‌او‌در‌انتخابات‌ریاست‌جمهوری‌سال‌آینده‌نداشته‌ایم. حزب‌کارگزاران‌که‌بیشترین‌طرفیت‌را‌برای‌معرفی‌نامزد‌دارد، حتماً‌از‌یک‌نامزد‌غیرحزبی‌و‌حتی‌غیرجبهه‌ای‌حمایت‌نمی‌کند.»

با‌ذکر‌این‌وصاف‌و‌با‌درنظرداشتن‌کنش‌های‌انتخابانی‌دیگر‌احزاب‌و‌تشکل‌های‌اصلاح‌طلب‌و‌نیز‌تلاش‌شورای‌هماهنگی‌اصلاح‌طلبان‌برای‌رسیدن‌به‌یک‌نامزد‌مورد‌اجماع‌همه‌اصلاح‌طلبان‌باید‌دید‌آیا‌همچنان‌حزب‌کارگزاران‌سازندگی‌بر‌ارائه‌یک‌نامزد‌حزبی‌تاکید‌می‌کنند‌یا‌در‌نهایت‌تن‌به‌جمع‌بندی‌اکثریت‌اصلاح‌طلبان‌خواهد‌داد؟

خبر

در پی اقدام توهین‌آمیز رئیس‌جمهور فرانسه درباره پیامبر اعظم(ص) صادر شد

پیام مقام معظم رهبری خطاب به جوانان فرانسه

• ایسنا: اظهارات امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در تأیید کاریکاتور توهین‌آمیز به پیامبر اسلام صلوات‌الله‌علیه‌و‌آله، باعث خشم مسلمانان در سرتاسر جهان شده است. به همین علت حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به جوانان فرانسوی پیامی کوتاه صادر کردند. متن این پیام که به زبان فرانسوی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، به شرح زیر است:
«بسمه تعالی: جوانان فرانسه! از رئیس‌جمهور خود پرسید: چرا از اهانت به پیامبر خدا حمایت می‌کند و آن را آزادی بیان می‌شمرد؟ آیا معنی آزادی بیان این است: دشنام و اهانت، آن‌هم به چهره‌های درخشان و مقدس؟ آیا این کار احقانه، توهین به شعور ملتی نیست که او را به ریاست خود انتخاب کرده است؟ سؤال بعدی این است که چرا تردید در هولوکاست جرم است؟ و اگر کسی چیزی دراین‌باره نوشت باید به زندان برود، اما اهانت به پیامبر آزاد است؟».

یادداشت

ایران – آمریکا، بازی‌های منتهای بازی‌های نامتناهی

پیام غیائی. دانش‌آموخته علوم اجتماعی

• دهه ۸۰ میلادی، ایالات متحده آمریکا در حالی جنگ ویتنام را ترک و از اهداف اولیه خود عقب‌نشینی می‌کرد که دست‌کم روی کاغذ نباید چنین می‌شد. جبهه ویتنام جنوبی و آمریکا با متوسط حدودا دو برابر نیروی نظامی نسبت به جبهه ویتنام شمالی، ویت‌کنک و شوروی (یک‌میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در مقابل ۸۰۰ هزار نفر) و با تلفاتی ۵۰ هزار کمتر (۵۰۰ هزار نفر در مقابل یک میلیون نفر – مجموع نظامیان و غیرنظامیان) اساسا چرا جنگ را واگذار کرد؟ در این جنگ ۲۰ساله، مسئله‌ای فرا‌تر از تاکتیک‌های نظامی در میان بود. پدیده‌های انسانی‌ای از این دست تبعاً چندوجهی و چندعاملی‌اند. یکی از این عوامل مورد توجه در این نوشته، ذهنیت‌های نامهمسان طرفین از جنس منازعه است، که در تمام دوران جنگ، این ذهنیت‌ها را شکل می‌دهد. در دوران انقلاب چنین نگاهی باشد و انقلابیون قدرت‌های خارجی را دشمنان خودشان تلقی کنند، ولی اینکه همیشه در چنین تصویری باقی بمانیم و همیشه نگاهمان این‌طور باشد، طبیعتاً نتیجه‌اش بن‌بست‌هایی می‌شود که تا به حال داشته‌ایم. یعنی نگاهمان به قدرتی که با آن اختلاف جدی یا روابط خصمانه داشتیم، این است که ما با یاد دشمن باشیم یا تسلیم آنها باشیم، درحالتی که بین دشمنی و تسلیم از صفر تا صد فاصله است و اعداد دیگری در این بین وجود دارند و در آن فاصله نقاط و شرایطی می‌تواند باشد که کشور بتواند منافع خودش را بهتر حفظ کند. اما نگاه صفر و صدی باعث می‌شود چنین برداشتی در روابط خارجی با حداقل در بخشی از مسائل مهم بین‌المللی به وجود نیاید. یکی دیگر از مشکلات ما که در سیاست خارجی بوده، این است که مسائلی در سیاست خارجی حیثیتی شده است و اگر شرایطی بیش آمد که خواستیم از آن عدول کنیم، سخت باشد و به دشواری بتوانیم تصمیمات مطابق منافع ملی بگیریم. هر دو این اشکالات را در سیاست خارجی داریم. تحقیقات در دوره‌ای از این نگاه فاصله گرفتیم؛ یکی در بخشی از دوران ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی بود که این نگاه‌تغییر کرد و به‌خصوص در مسائل منطقه‌ای و تعامل بین ایران و عربستان گام‌های مهمی برداشته شد و آثار مثبتی در منطقه داشت و مشغله‌ها و نگرانی‌های ما را در منطقه تا حد زیادی برطرف کرد که همین سیاست در دوره آقای خاتمی در دو‌سبع‌تری‌نهایتاً در منطقه، بلکه در عرصه وسیع‌تر بین‌المللی دنبال شد و ارتباطات خوبی هم در منطقه و هم با کشورهای اروپایی برقرار شد.

ادامه در صفحه ۳